

در شماره سوم نشر دانش مقاله‌ای تحت عنوان «لطائف التفسیر» درج گردید که در آن به معرفی یکی از مهمترین تفاسیر قرآن به زبان فارسی و اهمیت آن و مؤلف و مذهب آن و همچنین تصحیح این تفسیر که توسط آقای عباس ماهیار و احمد شریعتی انجام می‌گیرد پرداخته شده بود در انتهای مقاله نویسنده از خوانندگان تقاضا کرده بود که در صورتی که به نسخه‌های دیگری از این تفسیر دسترسی پیدا کرده‌اند به مصححان معرفی کنند مقاله آقای دانش پزوه که ذیلاً درج می‌شود در اجابت به این خواهش نوشته شده است.

امام زاهد استاد ابونصر احمد فرزند حسن فرزند احمد نرثی سلیمانی دروازچکی بخارایی درگذشته ۵۲۹ چنانکه در آغاز برخی از نسخه‌های کتابخانه‌ها مانند ملک و سنا و تاشکند و قانع می‌بینیم در روز نهم ماه شوال سال ۵۱۹ در بخارا املاء تفسیر خود را که در برخی جاها لطایف القرآن خوانده شده است آغاز کرده و خواسته که در آن «شرح معانی و بیان مجمل و مفسر و نامح و منسوخ و محکم و متشابه و وعده و وعید و امر و دلیل آن و نهی و نزول آن و قصص و نظم» آن را به صورت گزیده و کوتاه بیاورد و خوب هم از این کار خجسته برآمد و شاید در همین سالها بوده است که دانشمند شیعی امامی ابوالفتوح رازی نیز به چنین کاری دست پازیده و می‌توان گفت که بهتر از دروازچکی از عهده کار برآمده است.

با اینکه از سال ۱۳۱۳ هجری قمری و پس از آن تفسیر ابوالفتوح چندین بار چاپ شده است، افسوس هنوز که هنوز است ما خود تفسیر او را درست نداریم، با اینکه تنها تفسیر دیرینه شیعی

نورانی دروازچکی

تفسیر دروازچکی

محمد تقی دانش پزوه

امامی است که برای ما باز مانده است. به گواهی نوشته دانشمند گرامی تقی پیش در نامه آستان قدس (۴: ۲۲ تا ۵۱ و ۵: ۵۰ تا ۵۶) آنچه به چاپ رسیده است با نسخه‌های کهن سده ششم یکی نیست و تصرفاتی که نویسندگان نسخه‌ها در آن کرده‌اند در آن آشکار است. این تفسیر را باید از نو از روی نسخه‌های دیرینه که در تهران و تبریز و مشهد و جاهای دیگر هست و عکس بیشتر آنها در کتابخانه مرکزی فراهم آمده است. یک بار دیگر با دست کسانی که زبان و دستور زبان فارسی و تاریخ آن را بداند و از دانشهای قرآنی آنچنان که دروازچکی در آغاز تفسیر خود گفته است آگاه باشند تصحیح و چاپ کرد. داستان چاپ نخستین تفسیر رازی در همان نامه آستان قدس و پایان تفسیر گازر گرگانی به قلم شادروان محدث ارموی آمده است.

باری «تفسیر دروازچکی» میان ایرانیان فارسی زبان حنفی سرزمین خراسان و کشور عثمانی و جاهای دیگر شهرتی داشته و نسخه‌های بسیاری از آن در کتابخانه‌های جهان هست. این تفسیر یکی از مأخذهای اجتهادی فقیهان حنفی نیز به شمار می‌آمده چنانکه چلی در کشف الظنون (۱: ۳۰۹) می‌نویسد در تفسیر الصلاة نام آن آمده و در «مجموعه مسائل فقهیه» که در فهرست فرانسوی «اب یورکوی» برای کتابخانه‌های افغانستان (ص ۱۶۷) یاد شده است هم نام این تفسیر هست. دور نیست اگر کسی به دفترهای کلان ققهی حنفی و کتابهای فتاوی و واقعات و نوازل حنفیان در کتابخانه‌های جهان بگردد، به نام آن برخورد.

نسخه‌های خطی لطایف التفسیر آقای احمد منزوی در فهرست گنج بخش (ص ۵۷، ۵۵) از هفت نسخه این تفسیر یاد کرده که درتای آنها را به ثلث خوش ترکستانی از سده ۷ و ۸ و سه دیگر را به همان ثلث از سده ۸ و چهارمی را از سده ۹ و ۱۰ و پنجمی را نوشته ۱۰۶۲ و ششمی را

از سده ۱۱ و هفتمی را از سده ۱۱ دانسته است. در فهرست آقای تسییحی (۳: ۹۳، ۸۹) از سه تایی اینها یاد شده که عکس درتای آنها اکنون در دسترس کسانی است که می‌خواهند آن را نشر کنند. در دو فهرست استوری به انگلیسی (۴: ۱۱۱ و ۱۱۰) و بریگل به روسی (۱۰۸ و ۱۰۷) و فهرست نسخه‌های خطی فارسی احمد منزوی (ص ۱۶) یاد چند نسخه‌ای هست؛ همچنین در فهرست فیلمهای دانشگاه تهران (۱: ۱۷۵ و ۲: ۱۹۶) و مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (ش ۵۲، ۱۶۹).

در اینجا از چند نسخه‌ای که خود در ایران و بیرون ایران دیده‌ام و یا در فهرستها به آنها برخورده‌ام یاد می‌کنم:
۱- شماره ۲۱۲۲ کتابخانه جامع شهر یزد به نسخ ترکستانی گویا از سده ۷ و ۸ در ۲۸۳ برگ که تیسیمه نخستین است و از سوره اعراف تا پایان سوره کهف که آن را کهتر از نسخه‌های دیگر می‌توان پنداشت.

این نسخه را من در یزد دیده و نشناخته بودم و ناگزیر در گزارشم به دانشگاه تهران در نشریه کتابخانه مرکزی درباره نسخه‌های خطی (۴: ۲۸۷) از آن به نام «تفسیر» یاد کردم و نمونه‌هایی نیز از آن در آنجا گذاردم تا مگر کسی آن را با سنجیدن با نسخه‌های دیگر بتواند بشناسد. فیلمی هم از آن برداشتم و در فهرست فیلمها (۱: ۵۴ ش ۲۲۲۲) (عکس ۵۷۸۷) یاد آن هست. نسخه همانست که آقای محمد شیروانی در فهرست آن کتابخانه (۲: ۴۶۶ ش ۵۲) به نام «تفسیر قرآن» یاد کرده است.

در این روزها که برای یافتن نسخه‌های خطی تفسیر دروازچکی و برشمرن آنها به فهرستهای گوناگون به چندین زبان رجوع کردم؛ به این اهدیسه افتادم که خوب است به دنبال تفسیرهای ناشناخته هم رفت و آنها را با سنجش با نسخه‌های شناخته شده بازشناخت یکی از آنها همین نسخه یزد است که به همین روش مانند نسخه‌های تعلیمی و کابل و مجلس شناخته این یکی را با نسخه فاتح سنجدیم و آن دو را یکی یافتیم با اندکی جدایی همچون عبارت «قال الشیخ الامام الزاهد» که در آغاز نسخه فاتح در سوره کهف هست و در نسخه یزد هست. خواهیم دید که در دو نسخه بنگال و موزة کابل چنین عبارتی نیست. این گونه یاد کردن را در راه است؛ یکی آنکه تفسیر را دروازچکی املاء می‌کرده و شاگردان می‌نوشته‌اند و دور نیست که همانها می‌نوشته‌اند که «خواججه چنین و چنان گفته است» دیگر اینکه در کتابهای پیشینیان در بسیاری از جاها می‌خوانیم که نگارنده از سوی خود می‌نویسد که «او گفته است» نه اینکه بگوید «من

می‌گویم». در کتاب فضل ابن حزم و الفرق المقترفة عراقی به چنین مطالبی برخورده‌ام.

۲- شماره ۱۲۱۵ (۱۲۳۱) کتابخانه مجلس شورای تهران به نسخ درشت ترکستانی در متن و ریز در تفسیر، عنوان و جدول شکرگرف در ۲۸۹ برگ و زبیری، آغاز افتاده. از آیت «وَأَسْمَاءُ بِمَا أَنْزَلْتَ مَصْدَقًا لِمَا مَعَكُمْ...» و ابای فارهون» در سوره بقره (۲) آیت ۳۰ تا پایان سوره انفال یا تاریخ ۷۶۱ یا یاد کردن نام نویسنده نسخه «ابن مسعود علی» در پایان سوره بقره و با تاریخ ۷۷۱ در پایان انفال.

این نسخه را با نسخه ملک سنجدیم و دیدم که بسیار به هم نزدیکند بندهای عربی در تفسیر جای جای آمده است. نیز بندهای «فان قیل - قلناه» زیر آنها ترجمه‌ای نیست. شعر عربی دارد همچنین «قال القطبی» قال القفال» در آن دیده می‌شود.

۳- شماره ۱۲۱۸ (۸۷۷۸۹) همانجا به نسخ هندی درشت در متن و ریز در ترجمه زیر آنها و در تفسیر گویا از سده ۸ و ۹، نامهای کسان و جدول شکرگرف آغاز و انجام افتاده. از آیت ۲۷ سوره احزاب (۲۳) تا آیت ۲ سوره تحریم (۶۶) در کاغذ هندی موربانه خورده. به اندازه و زبیری. این نسخه را با نسخه ملک سنجدیم و آن دو را نزدیک به هم دیدم مگر اینکه جداییها یا آن دارد با کم و کاستیها و فروتیاها، ولی در اینکه این هم تفسیر دروازچکی است گویا نباید تردید داشت. بندهای آن هست با عنوان «قروله» و جای جای در تفسیر فارسی بندهای عربی هست. ترجمه‌های فارسی زیر آنها را تنها در این نسخه دیده‌ام.

از دوست بزرگوار و دانشمند آقای عبدالحسین حایری که این دو نسخه را می‌دریغ به من نشان و اجازه داده است که از چند صفحه آنها عکس بردارم و آنها را با نسخه دیگر بسنجم بسیار سپاسگزارم.

۴- شماره ۲۱۸ و ۲۱۹ کتابخانه ملک در تهران به نسخ آراسته و زرین سده ۸ و ۹ در دو مجلد ۲۲۵ و ۲۹۰ برگ رحلی در دو تیسیمه و انجام نخستین نانوشته مانده و انجام دومین در سوره ناس افتاده و تاریخی در آن ندیدم. نسخه بسیار خوبی است و نباید از آن گذشت. در فهرست دانشگاه (۱۰: ۱۶۲۲) از آن یاد کرده‌ام.

۵- شماره ۱۲۸۷ کتابخانه مجلس سنای پیشین (۱۸۳۵) که در فهرست آنجا (۲: ۲۴۲) از آن یاد کرده‌ام و فیلم آن هم در دانشگاه به شماره ۲۲۳۶ هست. در آغاز آن نام دروازچکی هست و با نسخه فاتح و تاشکند یکی است. این نسخه همانست که نگارنده مقاله «لطائف التفسیر» در نشر دانش (۲: ۳، ص ۷) گویا چون نه

خود نسخه را دیده و نه به عکس آن درست نگریسته بود درباره آن داوری شایسته ای کرده و سخنی نادرست گفته است.

۶- شماره ۵۹۲ پیاد نسخه های خطی فرهنگستان شهر تفلیس که من آن را در آنجا دیده ام و نشناخته بودم و ناگزیر در گزارشم به دانشگاه در تشریح کتابخانه مرکزی (۲۴۸:۸) از آن به نام «تفسیر» یاد کردم آغاز و انجام آن افتاده و از سوره بقره است تا سوره یونس و نوشته شده که جلد ۱ و ۲ است. آن را معین پسر در چاشت روز شنبه ۹ ج ۸۲۰/۲ نوشته است. من عکس آغاز و انجام آن را که فرهنگستان تفلیس برام فرستاده بود در همان تشریح (۹: ۲۵۰ و ۵۰۵ و ۵۰۶) گذارده ام. این روزها توانستم آن دورا با نسخه فاتح بسنجم. یکی از آنها آغاز نسخه است آیت ۲ و ۵ سوره بقره برابر با برگ ۱۱ و ۱۲ عکس شماره ۴۶۷۳ از نسخه فاتح. دومی آیت ۲۶ تا ۲۹ سوره یونس و انجام نسخه برابر با برگ ۳۳۸ عکس شماره ۲۶۷۶ همان نسخه من این دو نسخه را یکی یافتیم ولی نسخه تفلیس بسیار کهنه تر و درشت تر از نسخه فاتح می نماید و باید در هنگام تصحیح این تفسیر آن را درست داشت.

۷- شماره ۲۶ آستان رضوی در طوس به نسخ نیمه روز دوشنبه ۲۸ ج ۸۲۹/۱ گویا کامل که با نسخه های منا و فاتح و ملک یکی است. از فیلم آن در فهرست فیلمها (۱: ۱۷۵) ف ۱۳۹۸ ع ۳۳۳) یاد کرده ام.

۸- شماره ۲۰۳ کتابخانه فاتح در استانبول از سوره ۱ تا ۱۷ و نیمه نخستین و نوشته ۸۷۷ که فیلم آن در دانشگاه به شماره ۲۶۰۲ عکس ۴۶۷۳ هست (فهرست فیلمها ۲: ۱۹۶) استوری (۱: ۱۱۹) از قول هلموت ریتر در مجله فرهنگ خاوری Orientalische Literatur Zeitung (OLZ 1928/ 12 col 1123) از آن یاد کرده است. من این مجله را نتوانستم ببینم. در کارنامه ریتر در آغاز فیلولوژیکا هم ندیدم که او در چنین مجله چنین چیزی نوشته باشد. شاید در گفتار او در Der Islam سال ۱۹۲۸ دفتر ۱۷ ص ۲۴۹-۲۵۷ باشد. گرچه این را هم نتوانستم بیابم.

۹- شماره ۷۲ اوقاف احمدیه حلب از سده ۹ که نیمه نخستین است (فهرست نسخه های فارسی احمد منزوی ۷).

۱۰- شماره ۳۶۰۱ فرهنگستان تاشکند به نام بیرونی گویا نوشته ۹۶۵ که تاریخ پانداخت شمعی است در نسخه و شماره ۲۶۸۱ آنجا از سده ۱۱ که در فهرست آنجا به روسی (۲: ۵۵ و ۵۶) ش ۲۸۷۰ و ۲۸۷۱) یاد آنها هست و عکس نخستین صفحه آن هم در این فهرست دیده می شود و در آغاز نام دروازجکی هست.

۱۱- نسخه کتابخانه رامپور هند نوشته بهاءالدین یوسف

غوری در ۹۸۰. مولینا حافظ نذیر احمد در روزنامه انجمن آسیایی یتکال در یاداشتهای خود درباره نسخه های عربی و فارسی ارزنده یافت شده در کتابخانه های گوناگون هند به انگلیسی (۱۳: ۱۱۹-۱۷۷ سال ۱۹۱۷ و ۱۵: ۲۵۶-۱۹۹ سال ۱۹۱۸) از آن یاد کرده است (۱۵: ۱۲۲ ش ۸) سخن او را دیدم و خزانم تاریخ تألیف را ۵۱۹ می نویسد ولی تاریخ مرگ دروازجکی را ۶۵۸ که به نوشته استوری تاریخ درگذشت زاهدی دیگری است. می آورد و شاید از محبوب الالباب گرفته است. او برای آشنایی با نسخه های دیگر این تفسیر به همان محبوب الالباب فی تعریف الکب و الکتاب ساخته و پرداخته خدا بخش پیادگذار کتابخانه بانکپور هند چاپ ۱۳۱۴ حیدرآباد (دبیاجه ج ۱ استوری ص ۱۸) و به مجموعه حکومت هند بخش ۱ ص ۳ ش ۲۱۰ باز می گرداند سند استوری هم درباره این نسخه همان گفته نذیر احمد است. محبوب الالباب را نیز دیری است که من در دنبالش هستم و نتوانستم در جایی آن را بیابم.

۱۲- شماره ۴۹ کتابخانه پیشاور سند با عنوان تفسیر زاهدی گویا نوشته ۹۸۰ از سوره ۱ تا ۱۸ و نیمه نخستین چنانکه در فهرست آنجا (ص ۱۵) یاد شده است (منزوی ۱۷).

۱۳- شماره ۱۹ تازه یافته کتابخانه شچپترین در شهر لنینگراد بخش نخستین است از سوره ۱ تا ۵ نوشته ۳۰ ع ۱ / ۹۸۶ در ۵۲۲ برگ چنانکه در فهرست آنجا از باز کاستیگرا و آقای بلدیرف به زبان روسی چاپ ۱۹۷۸ (ص ۲۰۹ ش ۶۰۶) آمده است.

۱۴- شماره Ph 128 دانشگاه قازان گویا از سده ۱۱ سوره های ۲۶ تا ۶۷ و ۸۵ تا ۸۷ و ۹۳ و ۹۲ و ۹۷ تا ۹۹ و ۱۰۲ و ۱۰۵ تا ۱۱۲.

۱۵- شماره های ۲۵ و ۱۳۳ و ۱۴۴ و ۲۷۳ اصفیه هند بر روی هم کامل یکی نوشته ۱۰۷۰ (فهرست جدولی آنجا ۱: ۵۶۴- تشریح ۱: ۱۷۶).

۱۶- شماره های III 91 و I 210 انجمن آسیایی یتکال که ایوانف در مجلد دوم فهرست خود (ص ۲۳۳ و ۲۴۴ ش ۳۳۲ و ۳۳۳) آن دورا شناسانده است. نخستین آن دو نیمه یکم از سوره ۱ تا ۱۶ از سوره ۱۱ دومی نیمه دوم از سوره ۱۹ تا پایان قرآن و نوشته محمد اکرم در ۲۵ صفر ۱۱۲۱. در آغاز آن آمده است که دروازجکی آن را در نهم شوال ۵۱۹ در بخارا املا کرده است. در هر دو نیمه مقال الشیخ الامام الزاهد، قال شیخ الاسلام الزاهدیة آمده است. ایوانف در این فهرست به هیچ فهرست دیگری باز

نمی گرداند. گویا در فهرستهای اروپایی یادی از این تفسیر نیست.

۱۷- نسخه کتابخانه بانکپور هند که در فهرست فارسی مرآت العلوم (۱: ۱۸) به شماره های ۱۱۲۱ و ۱۱۲۲ و در فهرست انگلیسی آنجا (۱۴: ۳-۱) به شماره ۱۱۱۲ و ۱۱۱۳ یاد شده و در دو مجلد است نوشته ۱۱۲۵ و ۱۱۲۲ و کامل است و شایسته است که از آنها بهره گرفته شود و وصف آنها در این دو فهرست هست.

۱۸- شماره C 1802 بنیاد خاورشناسی لنینگراد نوشته ۱۲۲۷ در ۲۲۲ برگ از سوره ۶۷ تا ۱۱۴. از فهرست الفبایی آنجا به زبان روسی (ص ۲۷۶) گویا برمی آید که تفسیر سوره های دیگری از آن (سوره ۹۳-۱۱۲) نه چنانکه از یادداشت برگ ۲۲۲ به نسخه دانسته می شود از بحر مواج نیست بلکه از مواهب علیه است.

۱۹- شماره ۲۹ کتابخانه خانقاه یا رباط مطهر در شهر مدینه روپروی یمن که از سوره مریم است تا سوره ص که من در آنجا از آن آگاه شدم و در گزارشم به دانشگاه در تشریح (۵: ۵۳۰) از آن یاد کردم و بیش از این چیزی درباره آن نمی دانم.

۲۰- نسخه موزه کابل که من آن را در سال ۱۳۴۰ در سمنیار نسخه های خطی که از سوی یونسکو در آن شهر برگزار شده بود دیده ام و در گزارشم به دانشگاه که در راهنمای کتاب (۱۰: ۵۲۲) چاپ شده است از آن یاد کرده ام. دانشمند کابلی آقای عبدالحمی حبیبی نیز در مجله آرنا (۳: ۳۱۲-۳۱۳) گفتاری درباره آن دارد و در فهرست «بودکوی» برای نسخه های خطی افغانستان (ص ۱۱۶) هم از آن یاد شده است ولی هنوز گویا ناشناخته مانده است. این تفسیر گراتیها همان گونه که نوشته ام از ابوالفتح رازی و شهفر اسفراینی و سوراآبادی و سنی و گازر گرگانی نخواهد بود و در آن از فقال چابی (شاشی) نام برده شده و از امام زاهد که همما خود مؤلف است که از خود یاد می کند مانند برخی از نگارندگان دیگر و یا اینکه چون املاء است شونندگان در نسخه های خود چنین می نوشته اند.

این نسخه در سه مجلد است از آغاز و انجام افتاده. نخستین آن از آیت ۹۰ سوره آل عمران است تا آیت ۷۵ سوره اعراف. دومی از آیت ۱۷۶ همین سوره است تا آیت ۵۸ نمل. سومی از آیت ۶۱ همین سوره تا آیت ۱۷ سوره قمر.

آقای حبیبی سه بند فارسی این تفسیر را نمونه وار آورده و تشریح کرده است که از کدام آیت و کدام سوره است. من با دوست نگرستن به آنها و با کمک آیت یاب توانستم دوتای آنها را پیدا کنم یکی از آنها تفسیر آیت ۱۶۸ سوره آل عمران است و بسیار نزدیک به آنچه در نسخه فاتح (برگ ۱۶۹ عکس ۴۶۷۴ دانشگاه)

می باشد. دومین آنها از سوره مریم (۱۹) است آیت ۵۳ که برابر آن را در نسخه ملک ش ۲۱۹ روی برگ ۶۰ دیده ام. سومین آنها را نتوانستم بدانم که از کجای قرآن است تا بتوانم با نسخه دیگر برابر کنم.

پس این نسخه هم باید همان تفسیر دروازجکی باشد. با این بیست نسخه ای که برشمردم و هفت نسخه منزوی شماره آنها به ۲۷ می رسد باز هم باید در فهرستها گشت. شاید تفسیرهای گننام و ناشناخته ای هم باشد که با منجش یا نسخه های شناخته شده دانسته شود که همین تفسیر است چنانکه نسخه های مجلس و یزد و تفلیس را من با این گونه سنجش شناختم. در فهرست سمرقند از احرارای و یولادی چاپ ۱۹۷۷ ص ۳۱ از «تفسیر نسخه قدیم» یاد شده است. در فهرست گنج- بخش منزوی (ص ۲۸-۲۹) و فهرست الفبایی لنینگراد (ص ۱۲۷) و جز اینها به تفسیرهای گننامی برمی خورم.

صورت صحیح نام مفسر

این را هم بگویم که معنایی در اسباب از «دروازجکی» یاد کرده که از نام دهبی است در مرو پس فارسی درست آن باید همان «دروازگ» باشد و می توان این دختر را تفسیر دروازگی یا دروازگی گرفته از «دروازگله» هم خواند نسبت «دربی» که در نسخه های کهن دیده ام باید همان باشد که «دارانی» دربی» هم نوشته اند. مگر اینکه آن جز «داران» در نام ابوسلیمان دارانی عارف خواهد بود چه آن در دمشق است.

نسخه هایی که لطایف نامیده شده است

این را هم بگویم که در کتابخانه سنای پیشین نسخه ای است از سده هشتم به نام لطایف التفسیر (۱: ۲۵۰ ش ۱۲۱۵). فیلم ۴۲۲۳ دانشگاه) که گزیده گوته ای است از کشف الاسرار میدی با افزوده های سودمند بسیار. همچنین در کتابخانه دانشگاه لس آنجلس تفسیر اللطایف است بسیار نزدیک به آن که در فهرست آن کتابخانه در تشریح کتابخانه مرکزی (۱۱ و ۱۲: ۱۲ ش C1) شناسانده ام این دو با کوشش من و دو دوست دیگر در بنیاد قرآن نشر خواهد شد.

تفسیر گازر

ابوالمحاسن حسین گازرگرگانی را جلا الاذهان و جلا الاخوان است که شادروان محدث ارموی آن را چاپ کرده و در

گنشته از اینکه از يك سوی بایستی با قواعد زیاشناسی و دستور زبان فارسی آشنا بود و از تاریخ زبان فارسی آگاهی داشت و از سوی دیگر با دانشهای پیوسته به تفسیر همانها که دروازچکی در آغاز بر سر آمده است آنچنان که طبری و زمخشری و جشمی و طبرسی و طوسی و ابوالفتح رازی و شهرور اسفراینی و سوراپادی و میندی و دیگران در نگارشهای خود گنجانده اند سروکار داشت ناگزیر بایستی به همه نسخه های آن سرکشی کرد و به نکته هایی که در آنها هست برخورد و به جداییها که از هم دارند نگرست و از سنجش آنها نتیجه علمی گرفت. این جداییها را هم دوسبب است یکی اینکه این تفسیر املاء است و شتوندگان انجمن درس استاد روی آمادگیهای ذهنی گوناگون که هر يك داشته اند و اختلاف درجه فهم سخنان استاد و چیزهای دیگر آن را گوناگون می نوشته اند این کاری است که بهره بردگان از درس استاد در آکادمیها و دانشگاهها و مدرسه ها می کنند دیگر تصرفاتی که نویسندگان نسخه ها در طول تاریخ در نسخه ها کرده اند. پس با گذشت روزگار تحولی در این تفسیر رخ داده است و باید کوشید با نگاه به نسخه های گوناگون و ژرف نگریستن بدانها به آن نگارشی دست یافت که هر چه بیشتر به نگارش اصلی یا املاء درست دروازچکی نزدیک باشد.

دیباچه و پایان آن نوشته است که این دفتر از روی دوح الجنان و روح الجنان ابوالفتح رازی ساخته و پرداخته میان ۵۱۰ و ۵۵۶ یا اندکی پیش از ۵۲۷ یا ۵۵۲ با افزوده هایی به نگارش درآمده و هیچ نامی از رازی در آن نیست همچنان که فتح الله کاشانی در منهج الصادقین از کازر گرفته است ولی او از رازی و کازر یاد کرده است (ص ۲۹۵ جلد ۱۰ چاپ محدث)

تفسیر کازر به گواهی نسخه ۹۵۶۰ دانشگاه بایستی پیش از ۲۸ دی ۸۱۸ و به گواهی نسخه ۱۲۹۶ ستا (۲: ۲۱۵) پیش از ۸۲۶ و به گواهی یکی از نسخه های محدث (ش ۱۴ ص ۶۲ دیباچه او) پیش از ۸۱۲ به نگارش درآمده باشد. پس کازر از دانشمندان شیعی سده هشتم و نهم خواهد بود.

در دانشگاه تهران نسخه ای است به شماره ۲۷۶۲ نوشته ۹۶۸ (۱۰: ۶۲۲) که تفسیر نیمه دوم است و من آن را تفسیر دروازچکی پنداشته بودم و او را هم شیعی گمان کردم چون تشابه های تسبیح در نسخه دیدم شاید برای اینکه دیدم این نسخه هیچ يك از تفسیرهای کهن دیگر نیست و در آن شعرهای فارسی شیرایی است و با سخنانی از دانشمندان دیرینه ما این نسخه را اینک با نسخه های شماره ۲۰ آستان رضوی نوشته ۹۷۷ از مریم تا پایان قرآن و نیمه دوم و شماره ۲۱ همانجا از آیت ۲۶ شمراه تا سوره ملك آن هم نیمه دوم (فهرست قیلمها ۱: ۱۷۵) فیلم ۱۰۹۵ عکس ۳۱۳۷ تا ۳۱۴۴ و فیلم ۸۲۵ عکس ۴۱۲۸) یکی می یندارم. به گواهی سنجش با نسخه ملك این نسخه ها از دروازچکی نخواهد بود و در فهرست آستان رضوی هم چنین چیزی نوشته اند چون درباره نسخه شماره ۲۰ در این فهرست آمده است که شاید تفسیر سید کازر استاد زواری باشد همین مرا راداشت که آنها را با تفسیر کازر در برخی جاها بینجم همه اینها را همانند می یندارم. گنشته از افزوده هایی که در آغاز و انجام تفسیر سوره ها و جاهای دیگر در تفسیر کازر هست. خوب است کسی اینها را باهم بیشتر و درست تر بسنجد بلکه بتواند این سه را درست بشناسد در این سه روش سنی آشکار است ولی تفسیر کازر سراپا شیعی است. آیا کسی از ستیان از تفسیر دروازچکی و جز آن گزینی کرده و خود تفسیری ساخته و سپس کازر گرگانی شیعی از آن برداشته است، پس نوشته کازر با نگارش رازی چه پیوندی خواهد بود. امید که ایندگان بره از این راز بردارند.

سخنی درباره تصحیح این تفسیر

در پایان این را باید گفت که در تصحیح این تفسیر گرانها